

تبیین مبانی فلسفی هویت ایرانی-اسلامی و آسیب‌شناسی آن در بین دانشجومعلمان دانشگاه فرهنگیان

مریم نادری*، طیرماحزاده**، مهدی سجادی*** و پروین صدی****

چکیده

هویت هر ملت از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری جامعه است. تقویت هویت ایرانی-اسلامی در عصر جهانی شدن، از مهم‌ترین راهکارهای مقابله با تهاجم فرهنگی نسبت به ایران اسلامی است. معلم در فرایند شکل‌گیری هویت ایرانی-اسلامی جوانان کشور، نقش کلیدی دارد. آشکار است که معلمان برای تحقق این اهداف باید خود، شایسته و از هویت ایرانی-اسلامی بهره‌مند باشند. هدف پژوهش این بود که پس از تبیین مبانی فلسفی هویت ایرانی-اسلامی، مؤلفه‌های هویت ایرانی-اسلامی را در دانشجومعلمان دانشگاه فرهنگیان آسیب‌شناسی کرده و سپس برای تقویت آن‌ها راهکارهایی ارائه کند. در پژوهش حاضر از طرح تحقیق آمیخته و با روش کیفی توصیفی-تحلیلی، مبانی فلسفی هویت ایرانی-اسلامی تبیین و با روش کمی پیمایشی، آسیب‌های مؤلفه‌های هویت ایرانی-اسلامی در دانشجومعلمان بررسی شد. ابزار پژوهش، پرسشنامه محقق‌ساخته بود که صاحب‌نظران روایی محتوایی آن تأیید کرده‌اند و ضریب نسبی CVR و روایی سازه‌ای آن با آزمون تحلیل عاملی سنجیده شده است. اعتبار به دست آمده با آلفای کرونباخ، بالاتر از ۰/۹۱ است. جامعه آماری دانشجومعلمان دختر و پسر شهر تهران: ۲۸۳۳ نفر هستند که با نمونه‌گیری طبقه‌ای ۳۴۸ نفر به پرسشنامه هویت ایرانی-اسلامی پاسخ دادند. در تحلیل آماری داده‌ها از آزمون T تک‌نمونه‌ای استفاده شد و یافته‌ها حاکی از آن بود که دستیابی دانشجومعلمان به ۸۵ درصد از مؤلفه‌های مبانی سه‌گانه فلسفی؛ انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی حاصل شده است، اما در تحلیل آماری گویه‌ها، مشاهده شد که در هفت گویه در بردارنده مؤلفه‌های تعلق به میهن، آثار ملی، لباس ملی، خودکفایی و اخلاقیات آسیب‌هایی وجود دارد، لذا راهکارهایی برای تقویت آن‌ها در مواجهه با آسیب‌های مشاهده شده ارائه شد.

کلید واژه‌ها: هویت، مبانی فلسفی، هویت ایرانی-اسلامی، دانشجومعلم.

* نویسنده مسئول: دانش آموخته دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه الزهراء(س)، مدرس دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. tmh7834509911@yahoo.com

** دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران.

*** استاد گروه علوم تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

**** دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران.

مقدمه

هویت و مسأله کیستی از دغدغه‌های انسان است که به اشکال مختلف، ذهن آدمی را به خود مشغول کرده است. هویت از نیاز انسان به شناخته شدن بر می‌آید. انسان از زمانی که خودآگاهی پیدا کرده، همواره با چگونگی تعریف از خود به عنوان عضوی مستقل در جهان یا در ارتباط با آن، مواجه بوده است. هویت یا دارای وجه فردی است یا وجه جمعی که انواع مختلف هویت از جمله هویت‌های شخصی، اخلاقی، قومی، ملی، شغلی، فرهنگی، دینی و غیره در این وجوه جای می‌گیرند. هویت ملی بازتولید و بازتفسیر دائمی، ارزش‌ها، نهادها، خاطره‌ها، اسطوره‌ها و سنت‌هایی است که میراث متمایز ملت‌ها را تشکیل می‌دهد (اسمیت، ۱۳۸۳: ۳۰).

هویت ایرانی-اسلامی به معنای احساس تعلق به گروهی از انسان‌ها به علت اشتراک در برخی عناصر فرهنگی و شبه فرهنگی ایرانی است (گل محمدی، ۱۳۹۲: ۶۳) فرد ایرانی تعارض و مزاحمتی بین تعلقات اسلامی با تعلقات ایرانی خود احساس نمی‌کند که علت آن هم‌نشینی تاریخی و همزیستی درازمدت دین اسلام با عناصر فرهنگ ملی ایرانیان بوده است (حاجیان، ۱۳۹۱: ۱۴۳). پشتوانه فرهنگ ایرانی-اسلامی در ادبیات، هنر، اسطوره‌ها و به‌طور کلی در تمام پشتوانه ملی است که همراه با فرهنگ غنی اسلام در کتاب‌های گرانقدری مانند قرآن کریم، نهج البلاغه، صحیفه سجاده و ... نمود پیدا کرده است. تقویت هویت ایرانی-اسلامی در کشور ما، به دلیل تهدیدهایی که همواره در دوره‌های متفاوت تاریخ با آن مواجه بوده است و قرار گرفتن ایران در منطقه حساس خاورمیانه، بسیار حائز اهمیت است.

در خصوص هویت ایرانی-اسلامی چند نکته وجود دارد: اول اینکه، گروهی مدام و به گونه افراطی بر هویت ایرانی با غلبه و تکیه بر هویت ایران باستان و گروهی دیگر به گونه افراطی، بر هویت اسلامی با نفی تمامی هویت ایران باستان تأکید دارند. به‌طوری که دوره پهلوی دوران باستان‌گرایی و افراط در هویت ایرانی بود. بعد از انقلاب عده‌ای به دلیل تضعیف در نگرش اسلامی، بیش از حد بر بعد ناسیونالیستی و ایرانی تأکید داشتند؛ در مقابل گروهی دیگر برای تقویت بعد اسلامی، از بعد ایرانی غفلت کرده‌اند. در نتیجه چنان به نظر می‌رسید که گویا ایرانی بودن یک پدیده و اسلامی بودن پدیده دیگر است. بدین ترتیب بود که در برخی از افراد تقابل اسلام و ایران به وجود آمد (احمدی، ۱۳۹۵: ۲۱). نکته دیگر این‌که، جامعه ما

جامعه‌ای ایرانی- اسلامی است و فلسفه حاکم بر آن، فلسفه اسلامی است و افراد جامعه علاوه بر هویت ایرانی، باید از هویت اسلامی نیز بهره‌مند باشند، اما گاهی این انتظار برآورده نمی‌شود و بعضاً افراد، به‌ویژه برخی از جوانان مشاهده می‌شوند که از اسلام یا ایران فاصله گرفته‌اند که این مسأله، جای بسی تأمل دارد.

از سوی دیگر مسأله‌ای که کشور ما امروزه با آن مواجه است، مهاجرت بعضی از نخبگان و فراموشی هویت و ملیت، از سوی آن‌ها است. نظریه امپریالیسم رسانه‌ای، حاکی از آن است که دیکتاتوری رسانه‌ای حاکم بر جهان کنونی، با کانالیزه کردن و بزرگ‌نمایی برخی اخبار و اطلاعات به استثمار کشورهای در حال توسعه اقدام می‌کند. آن‌ها با نشان دادن جنبه‌های تمدن و پیشرفت‌ها در حوزه علم و فناوری و با کتمان ناکامی‌ها، به بزرگ‌نمایی مزایای زندگی در غرب اقدام کرده و در مقابل با تخریب حس ناسیونالیستی کشورهای در حال توسعه و سیاه‌نمایی و بزرگ‌نمایی مشکلات آن‌ها، امکان پیشرفت و حل مشکلات را غیرممکن معرفی می‌کنند. مشخص است که در چنین فضایی، بعضاً اگر کوچک‌ترین مشکلی در راه پیشرفت شخص نخبه پدید آید، او را به سمت مهاجرت سوق می‌دهد، هم‌چنین نظریه «بی‌هویتی فرهنگی» مؤید این مطلب است، افرادی که هویت فرهنگی خود را از دست داده‌اند، در برابر مشکلات اقتصادی و اجتماعی بسیار آسیب‌پذیرتر بوده و به راحتی ترک وطن می‌کنند و در دیگر کشورها سکنی می‌گزینند. بنابراین، بهره‌مندی از هویت اصیل ایرانی- اسلامی از عوامل مؤثر ترجیح کار در موطن و بازگشت به وطن است (مصدقی، ۱۳۹۰). عوامل مؤثر در تضعیف هویت ایرانی- اسلامی عبارت از فضای مجازی و رسانه‌ها، سکولاریسم و در مجموع پدیده جهانی شدن است.

عصر جدید، عصر گسترش ارتباطات و فضای مجازی است. در نتیجه، نسل جوان ما که هویتش در حال شکل گرفتن است، از طریق رسانه‌های گروهی، ماهواره و اینترنت با فرهنگ‌های مختلف آشنا می‌شود و چون نمی‌تواند این اطلاعات جدید را با هویت و برداشتی که از قبل داشته تطبیق دهد، دچار بحران هویت می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد دانشجویانی که بیشتر در معرض فضای مجازی قرار دارند، نسبت به هم‌تایان خود که کم‌تر از فضای مجازی استفاده می‌کنند، از هویت دینی و ملی ضعیف‌تری بهره‌مند هستند. به عبارت دیگر، نوعی رابطه معکوس بین فضای مجازی و هویت دینی و ملی دانشجویان وجود دارد (باقری و

زارعیان، ۱۳۹۲: ۱۴۹).

اندیشه سکولار عبارت است از مخالفت با هرگونه مرجعیت دین در عرصه جامعه و سیاست و بی‌ارزش شدن سنت‌ها و پذیرش قوه عقل به‌منزله یگانه مرجع مستقل در تمام تصمیم‌گیری‌ها. پیامد طبیعی اندیشه سکولار و در پی آن حاکمیت دولت سکولار، به حاشیه رفتن دین، سنت و مرجعیت دینی است (مهدوی‌زادگان، ۱۳۸۵: ۱۹۶-۱۹۵).

جهانی‌سازی نیز به‌عنوان یک پروژه غربی در صدد سیطره و تسلط همه‌جانبه غرب و فرهنگ غربی بر جهان است. با افزایش فرایند جهانی‌شدن، هویت ایرانی-اسلامی دانشجویان کاهش می‌یابد (محمدبخش و همکاران، ۱۳۹۰: ۷). در چنین شرایطی، کشور ما نیز مستثنا نیست و به‌عنوان یک کشور اسلامی باید با توجه به فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از روند جهانی‌شدن، خود را برای مواجهه با این پدیده مهیا کند و با اتکا به داشته‌های فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی، علاوه بر حفظ هویت فردی، در صدد تقویت و تعمیق هویت ایرانی-اسلامی باشد (کاوسی و حسین‌زادگان، ۱۳۹۰: ۶۲).

پرورش انسان‌های دارای هویت ملی از وظایف اصلی هر نظام آموزشی است. دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان رکن تحول و تعالی در آموزش و پرورش کشور و مرکزی برای پرورش معلمان دارای هویت ایرانی-اسلامی در فرایند توسعه کشور، نقش حیاتی بر عهده دارد. به دلیل اهمیت نقش معلم در شکل‌دهی هویت افراد جوان تحت تعلیم خود در جامعه، پژوهش مورد نظر درباره هویت ایرانی-اسلامی معلمان آینده این مرز و بوم اجرا شده است. لذا برای تقویت هویت ایرانی-اسلامی دانشجوی معلمان، مطلوب است به میزان دستیابی آن‌ها به مؤلفه‌های هویت ایرانی-اسلامی و میزان همگرایی در بعد ایرانیت و اسلامیت آن‌ها آگاهی یابیم.

با توجه به آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد هویت دانشجوی معلمان دانشگاه فرهنگیان نیز هم‌چون دیگر جوانان جامعه با آسیب‌هایی مواجه باشد که با شناسایی آسیب‌ها و تقویت هویت ایرانی-اسلامی در دانشجوی معلمان، هویت ملی نوجوانان و جوانان تحت تعلیم آن‌ها، رقم خواهد خورد. هدف این پژوهش آن است که ابتدا مبانی فلسفی هویت ایرانی-اسلامی را تبیین کند، سپس هویت ایرانی-اسلامی دانشجوی معلمان دانشگاه فرهنگیان را آسیب‌شناسی کند و راهکارهایی به‌منظور تقویت ارائه دهد که این اهداف با پاسخ به سؤالات زیر محقق می‌شود:

۱. مبانی فلسفی هویت ایرانی-اسلامی را تبیین کند.
 ۲. دانشجوی معلمان دانشگاه فرهنگیان در مؤلفه‌های هویت ایرانی-اسلامی با چه ضعف‌ها و آسیب‌هایی مواجه هستند؟
- برای اجرای پژوهش، به منظور پاسخ‌گویی به سؤال اول، از روش کیفی توصیفی-تحلیلی بهره گرفته شد. در روش توصیفی-تحلیلی محقق علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونگی بودن و چرایی وضعیت مسأله و ابعاد آن اقدام می‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۷: ۶۵) و برای پاسخ به سؤال دوم، روش کمی پیمایشی به کار گرفته شد.

مفهوم‌شناسی هویت

در زبان فارسی هویت به معنی «هستی، وجود، آنچه سبب شناسایی شخص باشد» آمده است (معین، جلد ۴: ۵۲۲۸). بر اساس تعریف فرهنگ لغات لاروس، هویت به معنای ویژگی پایا و بنیادین یک شخص یا یک گروه است (دکومب^۱، ۲۰۱۴: ۱). متخصصان هویت را بازشناسی میان خود و بیگانه دانسته (گل‌محمدی، ۱۳۸۰: ۱۴) و آن را از نیازهای روانی آدمی محسوب کرده‌اند (اسپرهم، ۱۳۹۴: ۲). هویت بنیاد و شاکله ارزشی هر فرد و جامعه محسوب می‌شود. هویت افراد بیشتر متأثر از جمعی است که به آن تعلق دارند. بنابراین، هویت همواره در ارتباط با افراد دیگر در جامعه شکل می‌گیرد، به طوری که گفته‌اند بنیان هویت، شناسایی شباهت‌ها با گروهی از افراد و احساس تفاوت با دیگران است (وودوارد^۲، ۲۰۰۰: ۳۴). اسمیت بر این باور است که هویت‌ها، از طریق تجربیات، حافظه‌ها و اسطوره‌های مشترک و در رابطه با تجربیات هویت‌های جمعی دیگر، شکل می‌گیرد (اسمیت^۳، ۱۹۹۹: ۲۴۷). هویت، مجموعه‌ای از الگوهای فرهنگی را بر جامعه و افراد تحمیل می‌کند؛ انسجام و همبستگی را در زندگی اجتماعی ممکن می‌کند (نوروال^۴، ۲۰۰۳: ۲۷۵). شایان ذکر است که هنجارها و ارزش‌های تاریخی، زبانی، مذهبی، فرهنگی و هنری در شکل‌دهی هویت افراد و اجتماع نقش اساسی بازی می‌کنند (سیدباقری، ۱۳۹۴: ۱). هویت چیزی نیست که به طور همیشگی و ثابت به کسی

1. Descombes
2. Woodward
3. Smith
4. Norval

داده شده باشد، شکل‌گیری هویت شامل ساخت و بازسازی در سرتاسر دوره زندگی افراد و گروه‌ها، از طریق برخوردها، نقش‌ها و شرایط مختلف است (ملوچی^۱، ۱۹۹۶: ۱۵۹). گیدنز نیز هویت را امری کاملاً بازاندیشانه می‌داند که فعالانه ساخته می‌شود؛ هویت در واقع همان چیزی است که فرد چنان‌که در اصطلاح خودآگاهی آمده است به آن آگاهی دارد (گیدنز^۲، ۱۳۸۷).

در یک تقسیم‌بندی کلی هویت را می‌توان به هویت فردی و جمعی تقسیم کرد. هویت فردی ویژگی‌های منحصر به فرد شخص را در بر می‌گیرد و شامل هویت شخصی، هویت اخلاقی، هویت فیزیکی - جسمانی است. هویت جمعی انسان در ارتباط با اجتماع شکل می‌گیرد و از خانواده شروع و به جامعه جهانی ختم می‌شود. عوامل اصلی اجتماعی شدن شامل عوامل اولیه: خانواده و عوامل ثانویه: همسالان، افراد مشهور و رسانه‌ها یا ویژگی‌های فردی؛ جنسیت و سطح تحصیلی است (بدوایی^۳ و همکاران، ۲۰۱۸). هویت جمعی دربرگیرنده هویت حرفه‌ای، هویت دینی، هویت سیاسی، هویت قومی و هویت فرهنگی است. شایان‌ذکر است که انواع مختلف هویت فردی و جمعی، با هم مرتبط هستند و هویت هر فرد مجموعه متشکلی از انواع هویت‌هاست. بارزترین تفاوت میان هویت فردی و هویت اجتماعی در این است که هویت فردی بر تفاوت و هویت اجتماعی بر شباهت تأکید دارد. اگر هویت فردی شرط ضروری برای حیات اجتماعی است، بر عکس آن نیز صادق است، هویت فردی جدا از سپهر اجتماعی دیگران نیز معنادار نیست. افراد یگانه و متفاوت هستند، اما هویت خود، به‌طور کامل در اجتماع ساخته می‌شود (جنکینز^۴، ۱۳۸۱: ۳۴).

هویت پنج سطح مختلف دارد؛ منظور از سطوح، حدود و ثغور و دامنه گستردگی هویت است: این سطوح عبارت هستند از: شخصی، اجتماعی، ملی، فراملی و جهانی.

هویت شخصی یا فردی شامل ویژگی‌های شخصی اعم از خصوصیات فیزیکی، اعتقادات و تمایلات فردی است که آن را عامل تمایز خود با دیگران در مناسبات اجتماعی

1. Melucci
2. Giddens
3. Badaoui
4. Jenkins

می‌داند. هویت فردی بیشتر در چارچوب روابط بین اشخاص شکل می‌یابد (فیرون^۱، ۱۹۹۹: ۱۱). به عقیده مطهری هویت شخصی در چارچوب دین و اندیشه دینی معنا می‌یابد، بدین معنا که هویت‌یابی واقعی انسان، تنها در سایه تکامل و تعالی آدمی به سوی اهداف متعالی میسر است (مطهری، ۱۳۶۷: ۱۱۹-۱۱۴).

هویت اجتماعی عبارت است از توانایی کار با جمع یا گروه به گونه‌ای که فرد قادر به ابراز عقاید و نظرات خود و پذیرش عقاید و نظریات دیگران و رعایت قوانین و مقررات زندگی جمعی باشد (یوسف‌زاده، ۱۳۸۲). گرچه هویت فرد، به‌طور عمده در نتیجه عملکرد نهادهای خانواده، آموزش و پرورش، دین و غیره شکل می‌گیرد، اما هویت نهایی او، که موجب تشخیص او می‌شود، از طریق تعامل با گروه‌های اجتماعی به دست می‌آید (ربانی، ۱۳۸۱: ۸۱). مطهری هویت اجتماعی را در چارچوب جامعه و امت جست‌وجو می‌کند. او از میان نظریات ارائه شده درباره اصالت جامعه یا فرد، نظریه‌ای را قبول دارد که در آن هم به اصالت فرد و هم به اصالت جامعه تأکید دارد (مطهری، ۱۳۷۲: ۲۹). آگاهی فرد از این که عضوی از یک گروه یا جامعه است، نخستین گام در تکوین هویت گروهی یا اجتماعی او به‌شمار می‌رود (ربانی، ۱۳۸۱: ۶۴).

هویت ملی از مباحثی است که اهمیت تاریخی و جامعه‌شناختی فراوان دارد. اهمیت تاریخی آن به این جهت است که اولاً این پدیده در فرایند زمان در جامعه شکل گرفته و از رویدادها و تغییر و تحولات جامعه تأثیر پذیرفته است. ثانیاً هر هویتی که امروزه در جامعه و میان گروه‌های اجتماعی مشاهده می‌شود، برگرفته از جریان‌های تاریخی ادوار مختلف است (زاهد، ۱۳۸۴: ۱۲۹). هویت ملی، هویتی اکتسابی است که فرد طی فرآیند جامعه‌پذیری از طریق خانواده، مدرسه و رسانه کسب می‌کند (شیخاوندی، ۱۳۷۹: ۱۳). هویت ملی در پاسخ به کیستی و چیستی در سطح ملی به وجود می‌آید (دیلیمقانی، ۱۳۹۵: ۲۶).

با گسترش شبکه‌های ارتباطی (اینترنت، ماهواره) و با توجه به از بین رفتن مرزهای بین جوامع، افراد تحت تأثیر فرهنگ‌های سایر ملل قرار گرفته و بدیهی است آن فرهنگ‌ها در تشکیل هویت افراد مؤثر هستند. چنانچه امروزه ارتباطات فرهنگی به یک شبکه عظیم فراملی تبدیل شده است (شایگان، ۱۳۸۱). هویت دینی را که نشان‌دهنده احساس تعلق و تعهد افراد به دین است، می‌توان نوعی هویت فراملی برشمرد. مارکس دین را به عنوان «قلب یک جهان

1. Fearon

بی‌عاطفه» شناخته است (برینگبک^۱، ۲۰۱۸). هویت دینی در جهان امروز بسیار گوناگون است و شامل ادیان الهی جهان‌شمول تا آئین‌های دینی چون بودائیسیم و هندوئیسم و نیز انواع باورهای دینی فرقه‌ای است (احمدی، ۱۳۸۸: ۶۲). اثرات محافظتی دین بر سلامت عمومی در دهه‌های اخیر به خوبی شناخته شده است، به دلیل آنکه دین نشان‌دهنده حمایت اجتماعی/عاطفی، طرح شناختی یا باورهای معنوی است و می‌تواند توانایی یک فرد را برای مقابله با انواع تنش‌های ناشی از وقایع ناگوار زندگی مانند بیماری، انحلال رابطه و مرگ یک فرد افزایش داده و رضایت زندگی را بالاتر ببرد (سوامن^۲ و همکاران، ۲۰۱۸). دین اسلام و هویت اسلامی؛ فراتر از مرزهای کشور ما، در سایر کشورهای اسلامی نیز حاکم است و علاوه بر ملت ایران، امت اسلامی در سرتاسر جهان را پوشش می‌دهد.

فرآیند هویت‌یابی در عصر جدید تغییر شکل یافته است. در گذشته، مکان، در خلق هویت اجتماعی افراد نقش کلیدی داشته است، به دنبال مدرنیته و بسط فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی مانند اینترنت، نقش مکان در شکل‌دهی به هویت بسیار کم‌رنگ شد؛ چرا که رسانه‌ها و فناوری‌های ارتباطی قادر هستند فرد را از مکان خود جدا کنند و به فراتر از مکان جغرافیایی کشور خود و جهان پیوند بزنند. در نتیجه افراد با منابع هویت‌یابی بی‌شماری مواجه هستند و هویت‌یابی شکل جهانی پیدا می‌کند (نوابخش و نیکوکار، ۱۳۹۰: ۲). در هر حال می‌توان گفت شکل‌گیری هویت جهانی به معنای نوعی خودفهمی انسان در چارچوب دهکده جهانی است. به عبارت دقیق‌تر، می‌توان گفت هویت جهانی به معنای باور و وابستگی به فرهنگ و اجتماع واحد جهانی و احساس تعلق فرد به آن است (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۴۷۱).

مبانی فلسفی هویت ایرانی - اسلامی

قبل از توجه به مبانی هویت ایرانی - اسلامی، لازم است ابتدا با هویت ایرانی - اسلامی، ابعاد و مؤلفه‌های آن آشنا شویم: هویت ایرانی - اسلامی مجموعه‌ای از نگرش‌های مثبت نسبت به عوامل و الگوهای هویت‌بخش و یکپارچه‌کننده در سطح کشور است که دارای مؤلفه‌های گوناگونی چون ارزش‌های ملی، دینی، فرهنگی و اجتماعی است. هویت ایرانی - اسلامی در

1. Bregnbæk
2. Seomun

مرتبه نخست دارای لایه‌ای از هویت ملی ایرانی است که طی فرآیندی لایه‌ای ایدئولوژیکی فراملی اسلامی بر آن کشیده شده است و به تدریج با هم امتزاج یافته‌اند، به طوری که از یکدیگر تفکیک‌ناپذیر هستند (قیصری، ۱۳۸۶: ۴۸). در طی چهارده قرن همراهی تاریخ ایران و اسلام، هویتی تلفیقی از ایران و اسلام پدید آمد که در آن هیچ‌یک را نمی‌توان از دیگری منفک کرد. هویت ایران بدون اسلام، به همان اندازه محال و تصورناپذیر است که بخواهیم هویت اسلامی را بدون ایران تصور کنیم (شریعتی، ۱۳۶۱: ۱۴۶). ملت ایران در طی تاریخ خود عناصر اصلی هویت خود را پالایش کرده و در مواقعی هم که عنصری کارائی خود را از دست داده آن را کنار گذاشته است. بدین گونه از تلفیق مؤلفه‌های هویت ایرانی با مبانی الهی اسلام، هویت مستحکم‌تری با عنوان هویت ایرانی-اسلامی ایجاد شده است.

در خصوص ابعاد هویت ایرانی-اسلامی می‌توان در بعد اجتماعی، به احساس تعلق هرچه بیشتر افراد جامعه به نظام اجتماعی، در بعد تاریخی آگاهی افراد جامعه از تاریخ گذشته خود، در بعد جغرافیایی سرزمین مشترک ایران، در بعد سیاسی، عضویت افراد در یک نظام سیاسی و پذیرش ارزش‌ها و قوانین جامعه، در بعد فرهنگی به زبان، میراث نیاکان و میراث تمدنی اشاره کرد (دایی‌زاده، ۱۳۹۴: ۳۶-۳۵).

درباره مؤلفه‌های هویت ایرانی، نظریات گوناگونی از طرف اندیشمندان این حوزه ارائه شده است، به عنوان مثال در حالی که بخشی از اندیشمندان در علوم جغرافیا بر مؤلفه سرزمین و تاریخ مشترک، به عنوان عناصر اصلی هویت ملی تأکید دارند، متفکران حوزه علوم سیاسی، ساختار سیاسی مشترک، دولت و ملت و عالمان علوم اجتماعی زبان، دین و آداب و رسوم مشترک را به عنوان عنصر اساسی هویت ملی برمی‌شمرند (مجتهدزاده، ۱۳۸۴: ۹). از زبان و خط مشترک، پذیرش فرهنگ‌ها و زبان‌های محلی، پرچم کشور، توجه به میراث فرهنگی و نفایس و مفاخر ملی ایران و سرزمین مشترک به عنوان مؤلفه‌های هویت ایرانی و از قرآن و سنت، توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین مردم، دین اسلام و مذهب شیعه، توجه به امت اسلامی و اعتقاد به ولایت فقیه به عنوان مؤلفه‌های هویت اسلامی می‌توان نام برد (رهبری و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۰).

بنابراین، می‌توان گفت مؤلفه‌های هویت ایرانی-اسلامی عبارت هستند از: پرچم ملی، سرود ملی، زبان ملی، لباس ملی، آثار ملی، سرزمین ایران و تعلق به آن، آداب و سنت‌های

ایرانی، نژاد و اقوام ایرانی، خودکفایی، دشمن‌ستیزی، میهن‌دوستی، مفاخر ادبی و شخصیت‌های برجسته ایرانی و اسلامی، خداشناسی، آخرت‌گرایی، معرفی اولیای دینی، معرفی قرآن و سنت، اخلاقیات، احکام دینی، معرفی مراسم و مناسبت‌های ایرانی و اسلامی، نمادهای ملی و دینی و ولایت فقیه.

امروزه هویت ملی ایرانیان - همان‌طور که در اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران آمده- از سه هویت ایرانی، هویت اسلامی و هویت متجددانه شکل می‌گیرد(همان). هویت ملی و ایرانی، تعلق افراد به سرزمین و تاریخ ایران را بیان می‌کند که ریشه‌ای طولانی مدت دارد و هویت اسلامی نیز تعلقات دین را در بر می‌گیرد. برای تبیین چگونگی شکل‌گیری مفهوم هویت ایرانی- اسلامی، لازم است به جریان‌های فکری و تاریخی اشاره شود. به‌طور کلی چهار دیدگاه عمده وجود دارد:

۱. طرفداری از ناسیونالیسم ایرانی در ضدیت با اسلامیت و عرب‌ستیزی و تلاش برای پالایش زبان فارسی از واژگان عربی.
۲. طرفداری از آموزه‌های مارکسیستی توسط گروه‌های چپ و حزب توده، در این نگرش فرهنگ و هویت ملی تابعی از عنصر زیربنایی اقتصاد است و از این رو مفهوم خلق، جایگزین ملت شده است.
۳. دیدگاه هواداران جریانی فکری تجددگرایی که طرفدار تقلید کامل از الگوهای غربی هستند و هویت ملی را در غربی شدن به تمام معنا می‌دانند مانند تقی‌زاده.
۴. تأکید بر همزیستی سنت و تجدد و نوسازی بر اساس الگوهای دینی. معتقدان به این نظر شامل طیف گسترده‌ای از علما و اندیشمندان اسلامی و روشنفکران می‌شد که می‌توان از امام خمینی، جلال آل احمد، شریعتی و مطهری به عنوان سرآمدان این جریان نام برد (برزگر، ۱۳۷۹: ۱۳۹).

از مبانی فلسفی هویت ایرانی- اسلامی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مراد از مبانی فلسفی؛ مبانی انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی است، اگرچه این مبانی بخش‌های مستقل خود را دارد، ولی در اینجا بحث مبانی با جهت‌گیری مفهوم هویت و ارتباط بخش‌هایی از این مبانی با هویت مطرح می‌شود.

الف) مبانی انسان‌شناختی هویت

مراد از مبانی انسان‌شناختی، آن دسته از گزاره‌های توصیفی-تبیینی مدلل درباره واقعیت وجود انسان است که از متون و معارف معتبر اسلامی استخراج شده‌اند. مفهوم انسان را می‌توان با هویت یکسان گرفت، زیرا نمود انسان، هویت اوست، به عبارتی انسان با هویتش تعریف می‌شود و معنا می‌یابد. بنابراین، مبانی انسان‌شناختی ارتباط موثقی با هویت دارد.

انسان موجودی مرکب از دو حیثیت در هم تنیده و مرتبط جسم و روح است، و حقیقت انسان، روح او است. کمال و جاودانگی آدمی وابسته به کمال و بقای روح است. انسان علاوه بر داشتن جنبه مادی (بدن)، دارای وجهی غیرمادی (روح) نیز است. از نگاه صدرالمتألهین نفس جوهری است که با حدوث بدن، حادث می‌شود^۱، به این معنا که نخست جسم انسان، سپس روح او آفریده می‌شود؛ به بیان دیگر روح انسان در بستر جسم زاده می‌شود. به دلیل آن که روح انسان، غیرمادی (مجرد از خصوصیات مادی) و فناناپذیر است، حقیقت انسان محسوب می‌شود^۲. مخاطب خداوند نیز، روح و نفس انسان است که از امر خداوند نشأت گرفته و حیاتش پس از مرگ در عالم برزخ و آخرت ادامه دارد. تکامل هویت انسانی نیز در جهت رشد روح و نفسش است. انسان موجودی آزاد و صاحب اختیار است. ذات نامتین انسان، به او امکان صیوروت در جهات مختلف هدایت و ضلالت را می‌دهد. این امر نشان‌دهنده آزادی آدمی و حرکت اختیاری اوست. علم و عقل نیز از مبادی آزادی و اختیار انسان محسوب می‌شوند. قرآن بر آزادی انسان^۳ و قدرت انتخاب او تأکید دارد^۴. انسان در نظام هستی در عین حالی که محکوم جبر مطلق نیست، آزاد مطلق (رها از هرگونه قانون و قاعده و تکلیف) نیز نیست، زیرا آزادی به معنای نفی کامل تأثیر علل و عوامل بیرونی و درونی و نفی قانون علیت بر اعمال آدمی و آثار آن نبوده، بلکه آزادی، مبنای اختیار و اساس هر گونه تکلیف و مسئولیت‌پذیری انسان است؛ چرا که بدون فرض آزادی، سخن از پاداش و عقاب بی‌معنا است و اصولاً هرگونه تکامل هویتی که برای انسان حاصل شود در اثر اعمال اختیاری و آزادانه آدمی است. آدمی می‌تواند از آزادی تکوینی، خویش را به آزادی حقیقی برساند، که، نفی اطاعت

۱. نظریه جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء

۲. انعام، ۶۰ و سجده، ۱۰

۳. ابراهیم، ۳ و رعد، ۱۱ و غاشیه، ۲۲

۴. نهج البلاغه، حکمت ۷۸

هرآنچه غیر خدا آزادی حقیقی است^۱. بنابراین، انسان با نیروی آزادی، اراده و اختیار می‌تواند به سوی حق تعالی و غایت هستی و جایگاه والای هویت انسانی حرکت کند (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۶۶ و رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸).

انسان در تکوین و تحول هویت ناتمام و پویای خود، نقش اساسی دارد. انسان با داشتن فطرت الهی به‌عنوان زمینه و سرمایه اولیه، در اثر تجربه هویت می‌یابد. هویت، واقعیتی تدریجی، انعطاف‌پذیر و ناتمام است که با صیوروت و حرکت تکاملی انسان و حضور فعال او در صحنه‌های گوناگون شخصی و اجتماعی زندگی و در طی حیات دنیوی تکوین و تحول و در حیات اخروی تداوم و تکامل می‌یابد. بنابراین، تحقق و تحول هویت بیش از هر چیز به جریان منحصر به فرد زندگی هر شخص، اراده و اعمال اختیاری خود او وابسته است. به عبارتی انسان «به منزله موجودی عامل»، با عمل (آگاهانه و اختیاری) خود، در درک و تغییر موقعیت و شکل‌دهی هویت خود تأثیرگذار است. در دیدگاه قرآن، انسان به‌عنوان موجودی در نظر گرفته شده که خود منشأ عمل (یعنی هرگونه فعل اختیاری) خویش است و با همین عمل‌ها، هویت خود را رقم می‌زند (باقری، ۱۳۸۷).

همان‌طور که ذکر شد هویت آدمی، دو وجه فردی و جمعی دارد. وجه فردی به دلیل بهره‌مندی انسان از عقل، فطرت، اراده و اختیار، او را از مقهور شدن در جمع دور می‌کند و وجه جمعی، او را در جریان پیوند و داد و ستد با دیگران و احساس هم‌هویتی با آن‌ها قرار می‌دهد، ولی این داد و ستد، به‌نحوی است که اراده آدمی از او سلب نمی‌شود. هویت جمعی دارای انواع و لایه‌های مختلف است که این انواع در شخص واحد در عین تمایز نسبی، هم‌پوشی نیز دارند. مهم‌ترین انواع هویت در وجه فردی عبارت هستند از: هویت اخلاقی، هویت فیزیکی و هویت اعتقادی و در وجه جمعی عبارت هستند از: هویت جهانی، هویت دینی/مذهبی، هویت ملی، هویت قومی، هویت خانوادگی، هویت جنسی/جنسیتی و هویت حرفه‌ای. بنابراین، هویت، حقیقت واحدی در عین کثرت است (ثقفی، ۱۳۸۹: ۳۷).

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱

۲. الی الله المصیر

ب) مبانی معرفت‌شناختی هویت

منظور از مبانی معرفت‌شناختی، بخشی از مهم‌ترین گزاره‌های توصیفی و تبیینی درباره شناخت آدمی و حدود و ثغور آن است. از آنجائیکه معرفت و شناخت انسان، منشاء تکوین و تحول هویت انسان است و معرفت شرط لازم برای شکل‌گیری هویت است، لذا می‌توان گفت مبانی معرفت‌شناختی با هویت ارتباط تنگاتنگ دارند و در سایه شناخت و معرفت است که انسان هویت می‌یابد.

انسان توانایی شناخت هستی و درک موقعیت خویش در آن را دارد. دعوت حق به شناخت، با اشاره به پدیده‌های آفاقی و انفسی، نشان از قدرت بشر برای شناخت ابعاد مختلف هستی دارد.^۱ در سراسر قرآن بارها با مفاهیم مختلفی چون تفکر، تدبیر، نظم، علم، بصر و لب، بر وجود این توانایی در انسان تأکید شده است (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۳).

منابع شناخت آدمی متعدد و معرفت انسان دارای مراتب و سطوح مختلف است. در باب اقسام معرفت، به طور کلی می‌توان از دو نوع معرفت سخن گفت؛ یکی معرفت بدون واسطه صورت و مفهوم، که وجود واقعی و عینی برای عالم دارد و یکی معرفت با واسطه که در آن مفهوم ذهنی واسطه بین عالم و معلوم قرار می‌گیرد؛ معرفت نوع اول را حضوری و دومی را حصولی می‌نامند (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۱۷۱) معرفت حصولی شامل سه مرتبه حسی، خیالی و عقلی است. انسان برای دستیابی به معرفت و هویت خود، راه‌ها و منابع گوناگونی شامل: حواس (ظاهری و باطنی)، استدلال، شهود و مکاشفه و تکیه بر آراء و اخبار معتبر در اختیار دارد. حس فراگیرترین ابزار معرفت است، اما شناخت‌های برآمده از حواس ظاهری، حصولی و جزئی هستند و محدودیت زمانی و مکانی دارند. در معرفت حضوری مانند شهود یا مکاشفه، واقعیتی بدون واسطه و به شکل حضوری به ادراک انسان درمی‌آید. از جمله شناخت‌های شهودی می‌توان به مواردی نظیر معرفت به خود، معرفت به توانایی‌های درونی خود (اعم از ادراکی و تحریکی)، معرفت به حالت‌های روانی و در کل معرفت به هویت خود اشاره کرد (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۷۰).

یکی از وجوه امتیاز انسان، عقل اوست؛ عقل ورزی، ممیز نفس انسانی از نفس حیوانی و

۱. بقره، ۷۳ و اعراف ۱۶۹

۲. دهر، ۲.

نیاتی است. تعقل (در معنای جامع آن) مشتمل بر رمزگشایی از ذات واقعیت و رمزگذاری واقعیت (بیان آن در قالب‌های جدید) است. انسان توانایی تعقل (عقل ورزی) در مقام نظر و عمل را دارد. عقل قادر است هم در دو حوزه ادراکات نظری (یعنی شناخت واقعیت‌ها و هست‌ها) و ادراکات عملی (یعنی شناخت خوب و بدها، یا باید و نبایدها) و هم در مقام التزام عملی (اراده و عمل) به لوازم ادراکات نظری و عملی خود وارد شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ۹۶). تعقل در شناخت حقیقت هستی، کسب هویت اصیل و سعادت جاوید نقش اساسی دارد. قرآن دستیابی به سعادت جاودانه را به ایمان و عمل مشروط می‌کند که هر دو مبتنی بر تعقل هستند.

شناخت آدمی با موانع و محدودیت‌هایی همراه است، از یک سو این شناخت به قدر توان فرد رخ می‌دهد و هر انسانی به قدر توان و استعداد خود از این معارف بی‌کران بهره می‌گیرد. از سوی دیگر، عقل بشر قادر نیست که به بسیاری از حقائق هستی (نظیر درک کنه ذات اقدس الهی) پی ببرد. هم‌چنین موانع فراوانی در مسیر شناخت انسان (نظیر لجاجت، سطحی‌نگری، پندارگرایی، شخصیت‌گرایی، تقلید کورکورانه، غرور و استبداد رای) وجود دارد (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۷۶ و ویسی، ۱۳۹۲). دستیابی به هویت رشد یافته مشروط به شناخت صحیح و عمل بر اساس آن است. بنابراین، رفع موانع شناخت و کسب شناخت صحیح، در تکوین و تکامل هویت مؤثر خواهد بود.

ج) مبانی ارزش‌شناختی هویت

مقصود از مبانی ارزش‌شناختی تبیین ماهیت ارزش‌ها، نحوه درک و اعتباربخشی آن‌ها است. استفاده از قوه اختیار آدمی در شکل‌دهی هویت، منوط به انتخاب آگاهانه معیارها و در پرتو ارزش‌گذاری امکان‌پذیر می‌شود. برای حسن استفاده از حرکت آزاد و اختیاری انسان، نخست باید به انتخاب و التزام آگاهانه و ارادی اقدام کرد. اسلام علاوه بر اینکه آزادی تکوینی انسان را به رسمیت می‌شناسد، او را به مرتبه‌ای برتر یعنی کسب آزادی حقیقی یا به بیان دیگر به آزادگی و رهایی از بند هواهای نفسانی دعوت می‌کند. انسان اگر از بند هواهای نفسانی رهایی نیابد، قادر نخواهد بود بر خود تسلط یافته و خودش هویت و سرنوشت خود را بسازد^۱ (مبانی

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱

نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۱۰۱).

اعتبار ارزش‌ها از طریق عقل، فطرت و دین معلوم می‌شود؛ معیار ارزش، حسن و قبح عقلی است، یعنی عقل می‌تواند ملاک اصلی خوبی و بدی افعال اختیاری آدمی باشد، اما همیشه عقل آدمی نمی‌تواند مصادیق معیارهای حسن و قبح و موضوعات احکام ارزشی را تشخیص دهد. در این موارد وحی و تعالیم دین، بشر را با آن حقائق آشنا می‌کند. بنابراین، دین و عقل و فطرت در صدور احکام ارزشی مؤید همدیگر هستند و هیچ‌گاه در مقابل هم قرار نمی‌گیرند و در تکوین و تحول هویت نقش دارند (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۸۲ و موسوی، ۱۳۹۰).

سلسله مراتب ارزش‌ها با غایت زندگی ارتباط دارند و همه انسان‌ها به دنبال کسب سعادت جاوید و قرب الی الله به عنوان غایت زندگی و غایت هویت انسانی هستند. هدف اساسی زندگی انسانی دستیابی به آسایش و جاودانگی (سعادت) و غایت نهایی هویت انسانی، قرب الی الله است. تعبیر «بهشت» که حاوی معنایی گسترده از آسایش، جاودانگی و لذت لقاء الله است، در نگرش اسلامی اهمیت و جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. مراد از قرب نیز، نزدیکی زمانی و مکانی نیست، بلکه مقصود از آن رابطه‌ای حقیقی و اختیاری بین انسان و خدا است؛ به این ترتیب که روح انسان در اثر ایمان و اعمال صالح، رابطه وجودی خاصی با خدای متعال برقرار کرده و در اثر این رابطه جوهر نفس انسان و هویت انسانی کامل‌تر می‌شود و هر قدر کمال هویت بیشتر شود، لذاً آن نیز بیشتر خواهد شد. البته قرب به خدا امری ذو مراتب است، یعنی هر یک از انسان‌ها براساس میزان و کیفیت اعمال خویش در پیشگاه خداوند، دارای درجه یا درجاتی است. شرط اصلی قرب الی الله، اثبات توحید در همه مراتب و ابعاد زندگی انسان است. این اثبات باید در اندیشه، باور، میل، اراده و عمل آدمی تا حد شکل‌گیری صفات شخصیتی و بالاخره تکوین هویت یکپارچه (توحیدی) در تمام ابعاد فردی و اجتماعی حیات آدمی ظهور یابد. حیات طیبه، وضع مطلوب زندگی بشر در همه ابعاد و مراتب، براساس مبانی و معیارهای الهی است که تحقق آن باعث دستیابی به غایت زندگی یعنی قرب الی الله خواهد شد. تحقق حیات طیبه همه ابعاد فردی و جمعی زندگی انسان را در برمی‌گیرد. اگرچه حیات طیبه مفهومی یکپارچه و کلی است، اما در بردارنده شئون متعددی است که در ارتباط و تعامل با همدیگر، این مفهوم پویا و متکامل را محقق می‌کنند (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۹۸-۹۰).

روش

این پژوهش برای پاسخ به سؤال اول؛ تبیین مبانی فلسفی هویت ایرانی-اسلامی از روش کیفی؛ توصیفی-تحلیلی با بهره‌گیری از اسناد و متون موجود، استفاده کرده و برای پاسخ به سؤال دوم؛ آسیب‌شناسی مؤلفه‌های هویت ایرانی-اسلامی در دانشجو معلمان از روش کمی؛ پیمایشی بهره برده است. جامعه این تحقیق کلیه دانشجو معلمان پسر و دختر دانشگاه فرهنگیان شهر تهران بوده است که جمعاً حدود ۲۸۳۳ نفر بودند که ۱۷۸۶ نفر دختر و بقیه پسر بوده‌اند. با توجه به تعداد جامعه تحقیق و جدول مورگان، تعداد نمونه ۳۳۸ نفر مشخص شد که با گرد کردن رو به بالای اعداد، تعداد ۳۴۸ نفر در این پژوهش شرکت کردند و نمونه‌گیری به صورت تصادفی طبقه‌ای انجام شد.

در ساخت پرسشنامه، در تعدادی از گویه‌ها، از پایان‌نامه غلامرضا محمدی و فرهاد خاوری (که روایی و اعتبار پرسشنامه‌های آنها تأیید شده بود) استفاده شده است، لیکن چون در پژوهش حاضر، مؤلفه‌ها و گویه‌ها باید از مبانی فلسفی هویت ایرانی-اسلامی مشتق می‌شد، لذا اکثر گویه‌ها را محقق اضافه کرده است. سؤال‌های پرسشنامه از مبانی هستی‌شناختی (انسان‌شناختی)، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی و ادبیات تحقیق گرفته شده‌اند و از آنجا که مبانی فلسفی تفکیک‌پذیر نیستند، سعی شده است گویه‌ها بر اساس نزدیکی به مبانی و اینکه گویه‌ها با کدام مبانی هماهنگی و هم‌خوانی بیشتری دارند، در مجموعه آن مبنا گنجانده شوند. پرسشنامه حاوی ۵۳ گویه است که در مبانی فلسفی فوق جای گرفته‌اند. برای روایی محتوای کیفی این پرسشنامه، از نظر ۱۶ نفر از اساتید و متخصصان فلسفه تعلیم و تربیت، علوم تربیتی و علوم اجتماعی استفاده شده است. روایی محتوای کمی (CVR) گویه‌های پرسشنامه نیز محاسبه و با کسب عدد بیش از ۰/۴۹، روایی محتوایی آنها تأیید شد. روایی سازه‌ای نیز با استفاده از آزمون تحلیل عاملی انجام شد و بیان‌کننده آن بود که پرسشنامه از یک عامل اصلی هویت ایرانی-اسلامی اشباع شده است که ارزش ویژه آن ۱۴/۹۸۸ است و واریانس ۲۸/۲۷۹ را پیش‌بینی می‌کند.

اعتبار (به معنای همسانی درونی) پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ محاسبه شد. ضرایب اعتبار، برای هر یک از مبانی سه گانه انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی و کل به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۰، ۰/۸۶ و ۰/۹۱ است. لذا چون اعتبار محاسبه شده بالاتر از ۰/۷۰ است،

می‌توان از پرسشنامه مذکور برای سنجش هویت ایرانی-اسلامی در کارهای پژوهشی استفاده کرد. برای توصیف نمونه از شاخص‌های آمار توصیفی مانند میانگین^۱، میانه^۲، نما^۳، واریانس^۴، انحراف استاندارد^۵، نمودارهای ستونی^۶، دایره‌ای^۷ استفاده شده و برای تجزیه و تحلیل مبانی فلسفی و گویه‌های پرسشنامه، آزمون تی تک نمونه‌ای به کار برده شد.

در پاسخ سؤال اول؛ مبانی فلسفی مؤلفه‌های هویت ایرانی-اسلامی در سه مبنای انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی تبیین شد. در پاسخ به سؤال دوم پژوهش از دو بخش کمک گرفته‌ایم: در بخش اول ویژگی‌های نمونه مورد مطالعه بررسی شده است و در بخش دوم با بررسی نتایج حاصل از پرسشنامه‌های تکمیل شده، پاسخ سؤال ارائه شده است. بخش اول: بررسی ویژگی‌های نمونه مورد مطالعه؛ نگاهی به یافته‌های توصیفی گروه‌های مورد بررسی بود.

در گام اول در جدول ۱، جنسیت افراد نمونه بررسی شده است.

جدول ۱: جنسیت افراد

جنسیت	فراوانی	تعداد	درصد
مرد		۱۲۶	۳۶
زن		۲۲۲	۶۴
مجموع		۳۴۸	۱۰۰

در جدول ۲ درصد شرکت‌کنندگان از لحاظ سال ورود ارائه شده است.

1. Mean
2. Median
3. Mod
4. Variance
5. Std. Deviation
6. Bar Chart
7. Pie Chart

جدول ۲: سال ورود افراد

درصد	تعداد	فراوانی	
		سال ورود	
۳۹/۵	۱۳۷	سال ۱۳۹۳	
۱۱/۲	۳۹	سال ۱۳۹۴	
۲۸/۷	۱۰۰	سال ۱۳۹۵	
۲۰/۶	۷۲	سال ۱۳۹۶	
۱۰۰	۳۴۸	مجموع	

در جدول ۳ به تفکیک رشته تحصیلی افراد نمونه مورد بررسی، ارائه شده است.

جدول ۳: رشته تحصیلی افراد

درصد	تعداد	فراوانی	
		رشته تحصیلی	
۴۰/۲	۱۴۱	علوم انسانی	
۱۹/۶	۶۷	علوم تربیتی	
۴۰/۱	۱۴۰	علوم پایه	
۱۰۰	۳۴۸	مجموع	

بخش دوم: پاسخ به سؤال دوم و بررسی و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه و بررسی و ارزیابی مبانی سه‌گانه مؤلفه‌های هویت ایرانی-اسلامی بود. برای بررسی دقیق، نمره میانگین حاصل از ترکیب سؤالات مربوط به این مبانی بررسی شد. دامنه تغییر نمرات ۱-۵ تعیین شده بود و میانگین نمره برای انسان‌شناختی ۴/۱۸، برای معرفت‌شناختی ۴/۱۶ و برای ارزش‌شناختی ۴/۳۶ محاسبه شده است. در جدول ۴، وضعیت مبانی سه‌گانه به عنوان مبانی فلسفی هویت ایرانی-اسلامی در دانشگاه فرهنگیان، توصیف شده است.

جدول ۴: وضعیت مبانی فلسفی هویت ایرانی-اسلامی افراد

باز	تعداد	میانگین	کمینه	بیشینه	دامنه تغییرات (دامنه تغییرات)	محدوده تغییرات	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین	فاصله اطمینان ۹۵٪	کمینه و بیشینه میانگین جامعه با	کمینه تا بیشینه	دامنه تغییرات از
انسان‌شناختی	۳۴۸	۴/۱۸	۱/۶	۵	۳/۳۷	۰/۴۷	۰/۰۲۵	۴/۲۳	۴/۱۳	۴/۱۳	۰/۱	۰/۱
معرفت‌شناختی	۳۴۸	۴/۱۶	۱/۸۱	۵	۳/۱۹	۰/۴۵	۰/۰۲۴	۴/۲۰	۴/۱۱	۴/۱۱	۰/۱	۰/۱
ارزش‌شناختی	۳۴۸	۴/۳۶	۱/۹۴	۵	۳/۰۶	۰/۴۷	۰/۰۲۵	۴/۴۱	۴/۳۰	۴/۳۰	۰/۱	۰/۱

میانگین مبانی انسان‌شناختی در نمونه مورد بررسی، برآورد نقطه‌ای^۱، ۴/۱۸ از مقدار نهایی ۵ است که برآورد فاصله‌ای^۲ آن در جامعه مورد نظر (با اطمینان ۹۵ درصد) در بازه ۴/۱۳ تا ۴/۲۳ قرار می‌گیرد، میانگین مبانی معرفت‌شناختی در نمونه مورد بررسی، برآورد نقطه‌ای^۳، ۴/۱۶ از مقدار نهایی ۵ است که برآورد فاصله‌ای^۴ آن در جامعه مورد نظر (با اطمینان ۹۵ درصد) در بازه ۴/۱۱ - ۴/۲۰ قرار می‌گیرد و میانگین مبانی ارزش‌شناختی در نمونه مورد بررسی، برآورد نقطه‌ای^۵، ۴/۳۶ از مقدار نهایی ۵ است که برآورد فاصله‌ای^۶ آن در جامعه مورد نظر (با اطمینان ۹۵ درصد) در بازه ۴/۳ - ۴/۴۱ قرار می‌گیرد، این اعداد بدان معنا است که با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان بیان کرد که بر اساس گزارش جامعه مورد بررسی، وضعیت مؤلفه‌های مبانی سه‌گانه به گونه‌ای است که نشان می‌دهد دانشجو معلمان به هویت ایرانی-اسلامی دست یافته‌اند. بدین معنی که با احتساب خطاهای احتمالی نمونه‌گیری و دیگر خطاها، حداقل نمره ارزیابی مبانی سه‌گانه انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی از دید دانشجو معلمان به ترتیب عدد ۴/۱۳، ۴/۱۱، ۴/۳۰ و حداکثر این مقدار عدد ۴/۲۳، ۴/۲۰، ۴/۴۱ است و مقدار کمینه نیز از حد مقرر بالاتر است.

1. Point estimate
2. Interval estimate
3. Point estimate
4. Interval estimate
5. Point estimate
6. Interval estimate

برای تحلیل داده‌ها، از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شد. نتایج آزمون به شرح زیر بوده است: فرضیه پژوهش: میزان تطابق دیدگاه‌های انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی دانشجومعلم با هویت ایرانی-اسلامی، بالاتر از حد میانگین است. از نظر آماری زمانی می‌توان فرضیه پژوهش را پذیرفت که نمره موافقتی که دانشجومعلم به سؤالات داده‌اند، بیشتر از مقدار میانگین طیف ارزشی مورد بررسی (عدد ۳) باشد. به منظور بررسی این فرضیه از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شد که نتایج آن در جدول ۵ مشاهده می‌شود.

جدول ۵: بررسی فرضیه بالا بودن میانگین به دست آمده با میانگین مورد نظر

ابعاد	نتایج میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف از میانگین	حد معناداری	Sig(P) به دست آمده	وضعیت فرضیه آماری
انسان‌شناختی	۴/۱۸	۰/۴۷	۰/۰۲۵	۰/۰۵	۰/۰۰۰	رد
معرفت‌شناختی	۴/۱۶	۰/۴۵	۰/۰۲۴	۰/۰۵	۰/۰۰۰	رد
ارزش‌شناختی	۴/۳۶	۰/۴۷	۰/۰۲۵	۰/۰۵	۰/۰۰۰	رد

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، Sig به دست آمده از مقدار حد معناداری کوچک‌تر است ($۰/۰۰۰ < ۰/۰۵$)؛ این نتیجه نشان‌دهنده آن است که با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه صفر، مبنی بر نبود اختلاف معنادار بین میانگین‌های محاسبه شده (۴/۱۸، ۴/۱۶، ۴/۳۶) و میانگین فرضی طیف لیکرت (عدد ۳)، رد شده است. بنابراین، با توجه به مقدار میانگین‌های محاسبه شده فوق، می‌توان گفت که دستیابی دانشجومعلم به میزانی از مؤلفه‌های ابعاد سه‌گانه انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی حاصل شده است. البته این بدان معنا نیست که دستاورد مذکور در همه مؤلفه‌های یا گویه‌های مورد بررسی ابعاد سه‌گانه، دارای امتیاز یکسان بوده است، اما به دلیل آنکه عدد و رقم گویای واقعیت بطن جامعه نیست، ملاک منطقی پژوهش ما این‌گونه است که هرچه پاسخ گویه‌ها از عدد ۴ بزرگ‌تر و به عدد ۵ نزدیک‌تر باشد، حد مطلوب و کم‌تر از عدد ۴، نامطلوب در نظر گرفته شود. با توجه به این منطق، در تحلیل گویه به گویه پرسشنامه که روش‌های فوق تک به تک برای آن‌ها انجام شد، تعدادی از گویه‌های دربرگیرنده مؤلفه‌های خودکفایی، آثار ملی، تعلق خاطر به میهن، لباس ملی و اخلاقیات دارای آسیب بودند (جدول ۶).

جدول ۶: وضعیت گویه‌ها و مؤلفه‌های دارای آسیب هویت ایرانی اسلامی دانشجویان

ردیف	گویه پرسشنامه	مؤلفه	میانگین	مقدار آزمون تی	پی مقدار
۱	پیروی از پوشش‌های مدل غربی را می‌پسندم.	لباس ملی	۳/۴۹	-۷/۹۴۷	۰/۰۰۰
۲	خیلی وقت‌ها به خود می‌گویم ای کاش که در ایران به دنیا نیامده بودم.	تعلق خاطر به میهن	۳/۴۳	-۸/۱۱۳	۰/۰۰۰
۳	به آثار تاریخی جهان بیش از آثار تاریخی ایران علاقمندم.	آثار ملی	۲/۹۴	-۱۷/۶۳۹	۰/۰۰۰
۴	ظاهر شدن با آرایش در جامعه و جهت اجتماعی مرا تخریب می‌نماید.	اخلاق اسلامی	۳/۶۶	-۵/۲۶۰	۰/۰۰۰
۵	در صورت بروز مشکلات در دانشگاه، مانند مشکل در سامانه آموزشی یا سامانه تغذیه، جهت رفع مشکل صبوری و همکاری می‌کنم.	اخلاق اسلامی	۳/۷۲	-۵/۰۲۴	۰/۰۰۰
۶	زندگی در خارج از ایران برایم دلپذیرتر است.	تعلق خاطر به میهن	۲/۹۷	-۱۵/۰۷۹	۰/۰۰۰
۷	در خرید، کالای ایرانی را به خارجی ترجیح داده و از مزایای احتمالی کالای خارجی چشم‌پوشی می‌کنم.	استقلال و خودکفایی	۳/۳۸	-۸/۹۹۴	۰/۰۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

تحولات رخ داده در دهه‌های اخیر، نظیر جهانی شدن و ورود به عصر اطلاعات، به صورت‌های مختلف هویت ملی کشورها را تحت تأثیر قرار داده است. نسل جوان کنونی، به ویژه قشر دانشجویی، در برابر بحران‌ها و چالش‌های عظیم اقتصادی-اجتماعی-فرهنگی و حمله تبلیغاتی سامانه‌های ارتباطی-اطلاعاتی کشورهای غربی قرار گرفته است. از این رو تثبیت و تقویت هویت جوانان جامعه، انسجام و اقتدار ملی را به همراه خواهد داشت. در این پژوهش، جامعه هدف دانشجویان دانشگاه فرهنگیان انتخاب شدند که معلمان آینده این مرز و بوم هستند تا با آسیب‌شناسی و تقویت هویت ایرانی-اسلامی آن‌ها، گامی در جهت تقویت هویت جوانان تحت تعلیم آن‌ها برداریم. یافته‌های این تحقیق نکات مختلفی را نشان می‌دهد که هم گویای برخی ضعف‌ها و هم منعکس‌کننده پاره‌ای از موفقیت‌ها در مؤلفه‌های هویت ایرانی-اسلامی است. در مبانی فلسفی هویت ایرانی-اسلامی اشاره شد: حقیقت انسان،

روح اوست و هویت انسان در جهت رشد روح انسان تکامل می‌یابد. انسان با آزادی و اختیار خود، به جایگاه والای هویت خویش دست می‌یابد. انسان در شکل‌دهی هویت خود با شناخت، باور، اراده و عمل خویش نقش اساسی ایفا می‌کند. انسان با عقل‌ورزی خود، می‌تواند هستی و هویت خود را بشناسد که در این راه، از منابع گوناگون بهره گرفته و با موانعی روبرو خواهد بود که با رفع موانع شناخت، هویت انسان تکامل می‌یابد. انسان در انتخاب ارزش‌ها، آگاهانه عمل می‌کند و اعتبار ارزش‌ها از طریق عقل، فطرت و دین تعیین می‌شود و با اتکا به آن‌ها دستیابی به هویت اصیل، محقق می‌شود. ارزش غایی هویت هر انسانی در میزان دستیابی به قرب الی الله است که در سایه حیات طیبه محقق خواهد شد. حیات طیبه کلیه شئون زندگی انسان را در برمی‌گیرد. در خصوص آسیب‌ها و ضعف‌های دانشجومعلم‌ان در مؤلفه‌های هویت ایرانی-اسلامی، می‌توان نتیجه گرفت به‌رغم اینکه در مبانی فلسفی انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی آسیبی مشاهده نشد و دستیابی دانشجومعلم‌ان به ۸۵ درصد از مؤلفه‌های مبانی سه‌گانه فلسفی؛ انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی حاصل شده، اما در تحلیل آماری گویه‌ها، در هفت گویه که در بردارنده مؤلفه‌های تعلق به میهن، آثار ملی، لباس ملی، خودکفایی و اخلاقیات است، نیاز به تقویت در دانشجومعلم‌ان احساس می‌شود. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های باقری و زارعیان (۱۳۹۲) و محمدبخش و همکاران (۱۳۹۰) و کاوسی و حسین‌زادگان (۱۳۹۰) هم‌خوانی دارد، زیرا از عوامل ایجاد آسیب در هویت ایرانی-اسلامی دانشجومعلم‌ان؛ فضای مجازی، رسانه‌های خارجی و جهانی شدن را برشمردیم و این عوامل بر مؤلفه‌های لباس ملی، آثار ملی، تعلق خاطر به میهن و خودکفایی دانشجومعلم‌ان تأثیرگذاری منفی داشتند.

محدودیت در پاسخدهی دانشجومعلم‌ان به سؤالات پرسشنامه به دلیل ترس از فرایند گزینش و روند استخدامی آن‌ها و زمان‌بر بودن مطالعه و محدودیت در نمونه‌گیری جامعه مورد پژوهش، به دلیل پراکندگی جغرافیایی پرديس‌های دانشگاه فرهنگیان را می‌توان از محدودیت‌های این پژوهش برشمرد. در پایان راهکارهای ذیل برای رفع یا کاهش آسیب‌ها پیشنهاد می‌شود:

برخی از دانشجومعلم‌ان در خصوص هویت زن دچار بداندیشی‌هایی هستند، لذا لازم است نظام سیاسی-اجتماعی جامعه با درونی کردن ارزش‌های حقیقی زنان از طریق

سیاست‌گذاری‌های درست و عملکرد معقولانه نهادهای خانواده، همسالان، مذهب، آموزش و پرورش، رسانه و ... جایگاه و ارزش واقعی زنان را به دانشجومعلم‌ان نشان دهند.

- در کشور از حوزه فرهنگ، از جمله آثار ملی، لباس ملی، تعلقات به میهن، نباید غفلت شود و باید در تقویت عرصه فرهنگی نهایت تلاش را کرد. این امر با اختصاص بودجه فرهنگی بیشتر، تقویت زیرساخت‌های فرهنگی، اشاعه فرهنگ ایرانی از طریق مطبوعات و رسانه‌های مجازی، سینما، تئاتر، موسیقی و سایر هنرهای مرسوم در جامعه صورت پذیرد.

- باید آموزش دانشجویان به عنوان شهروندان مسلمان و وظیفه‌شناس، مسئولیت‌پذیر و متعهد، طوری باشد که به آن‌ها بیاموزد که نه تنها نگاه نقادانه داشته باشند، بلکه با تفکر خلاق خویش بتوانند راه حلی برای رفع مشکلات بیابند. این نوع آموزش، به عنوان محوری‌ترین اصل آماده‌سازی دانشجویان در مواجهه با مشکلات زیادی است که در زندگی روزمره خود با آن مواجه می‌شوند.

- تشکیل جلسات آگاهی‌بخشی، به طوری که به دانشجومعلم‌ان آگاهی داده شود، حمایت از تولیدات داخلی، حمایت از جامعه ایرانی، توسعه و پیشرفت کشور است که باعث رسیدن به خودکفایی، توسعه، ایجاد اشتغال و فرصت‌های شغلی و کاهش بیکاری می‌شود.

- تشویق و ترغیب دانشجویان به تحقیق و پژوهش در حوزه شناخت هویت ایرانی و

اسلامی

- پیشنهاد می‌شود در تعریف برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، بدین گونه عمل شود که نیازسنجی به‌روز دانشجویان در حوزه‌های محلی، قومی، طبقه‌ای، ملی و بین‌المللی انجام شده و با بهره‌گیری از تجارب کارشناسان و متخصصان امور فرهنگی، ادبی، تاریخی، هنری به سمت تولید محتوای مناسب در قالب‌های جذاب مانند کارگاه‌های مفید دینی و فرهنگی، همایش‌ها، تهیه و تولید برنامه‌های جذاب از جمله سخنرانی، فیلم مستند، کرسی‌های آزاداندیشی، جلسات پرسش و پاسخ متناسب با سلیقه جوانان پیش‌روند.

- با توجه به یافته‌های تحقیق پیشنهاد می‌شود که منابع درسی دانشجومعلم‌ان در دانشگاه فرهنگیان تأکید بیشتری بر مؤلفه‌های هویت ایرانی-اسلامی به ویژه مؤلفه‌های دارای ضعف این پژوهش داشته باشند.

- لازم است همه مسئولان دولتی، آگاهانه به تلاشی هماهنگ، در جهت تعمیق هویت

ایرانی - اسلامی دانشجویان اقدام کنند و موضوعات دینی باید به گونه‌ای برای دانشجویان ارائه شود که آن‌ها احساس کنند، امور مذهبی در زندگی اجرایی است و تنها از طریق موعظه بدان توجه نشود و عقاید و آراء دینی به صورت هماهنگ و هدف‌دار به آن‌ها عرضه شود و مسئولان خود عامل به فرامین دینی باشند.

منابع

- احمدی، حمید، راشد محصل، محمد تقی و بیات، کاوه (۱۳۹۵). هویت ایرانی در گستره تاریخ اجتماعی ایران. فصلنامه نقد کتاب، ۳(۱۱): ۱۹-۲۴.
- احمدی، حمید (۱۳۸۸). بنیادهای هویت ملی ایرانی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- اسپرهم، داوود (۱۳۹۴). مولانا و هویت انسانی. کهن‌نامه ادب پارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۶(۴): ۱-۲۰.
- اسمیت آنتونی، دی (۱۳۸۳). ناسیونالیسم: نظریه، ایدئولوژی، تاریخ. ترجمه رضا خلیلی و منصور انصاری، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- باقری دولت‌آبادی، علی و زارعیان جهرمی، فرج‌الله (۱۳۹۲). تأثیر فضای مجازی بر هویت و همبستگی ملی. فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، ۱۶(۶۰): ۱۸۲-۱۴۹.
- باقری، خسرو (۱۳۸۷). هویت علم دینی: نگاهی معرفت‌شناختی به نسبت دین با علوم انسانی. تهران: فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۷۹). صراط، ضابطه هویت در اندیشه‌ورزی امام خمینی (ره). مطالعات ملی، ۲(۱): ۱۵۸-۱۳۵.
- تقفی، محمد و میرمحمدی، داود (۱۳۸۹). مبانی معرفتی گفتمان هویت ملی در عصر پهلوی. جامعه‌شناسی، ۵(۲): ۴۳-۶۷.
- جمعی از محققان (۱۳۹۰). مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). هویت اجتماعی. ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: شیرازه.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی هویت ایرانی. تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۱). هویت ایرانی - اسلامی و امنیت پایدار جمهوری اسلامی. آفاق

امنیت، ۵(۱۴): ۱۵۰-۱۲۹.

حافظ‌نیا، محمدرضا(۱۳۸۷). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*. تهران: سمت.
دائی‌زاده جلودار، امین(۱۳۹۴). بررسی برخی عوامل و روندهای سیاسی مؤثر بر ساخت یابی هویت اسلامی-ایرانی (در دوران معاصر). *جامعه پژوهی فرهنگی*، ۶(۳): ۵۲-۲۳.
دکومب، ونسان(۲۰۱۴). فرد، طبقه، گروه اجتماعی؛ بحران هویت. ترجمه رضا اسپیلی، قابل دسترسی در:

<http://www.monde-diplomatique.fr/2014/02/DESCOMBES/50108>

دیلمقانی، فرشید و قاسمی ترکی، محمدعلی(۱۳۹۵). ضرورت‌های سیاست‌گذاری هویت ملی از دید روشنفکران ایرانی. *سیاست، دانشگاه تربیت مدرس*، ۳(۱۲): ۴۸-۲۱.
ربانی، جعفر(۱۳۸۱). *هویت ملی*. چاپ اول، تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
رضایی اصفهانی، محمدعلی(۱۳۸۸). مبانی و قلمرو آزادی در قرآن. *دوفصلنامه قرآن و علم*، ۳(۵): ۲۱۳-۱۸۵.

رهبری، مهدی، بلباسی، میثم و قربی، سیدمحمدجواد(۱۳۹۳). هویت ملی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات ملی*، ۱۶(۱): ۶۶-۴۵.
زاهد، سعید(۱۳۸۴). *هویت ملی ایرانیان*. راهبرد یاس، ۱(۴): ۱۳۸-۱۲۹.
سیدباقری، سیدکاظم(۱۳۹۴). آسیب‌شناسی هویت و راه‌های برون‌رفت از منظر اندیشه اسلامی. تهران: سومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
شایگان، داریوش(۱۳۸۱). *افسون‌زدگی جدید هویت چهل تکه و تفکر سیار*. ترجمه فاطمه ولیانی، تهران: فروزان.
شریعتی، علی(۱۳۶۱). *مجموعه آثار شماره ۲۷، بازشناسی هویت ایرانی-اسلامی*. تهران: سپیده باوران.

شیخ‌آوندی، داور(۱۳۷۹). *تکوین و تنفید هویت ایرانی*. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
طباطبائی، محمدحسین(۱۳۸۶). *تفسیر المیزان*. جلد ۳، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
قیصری، نوراله(۱۳۸۶). *روشنفکران ایرانی و هویت*. تهران: تمدن ایرانی.
کاوسی، اسماعیل و حسین زادگان، زهره(۱۳۹۰). *حفظ هویت ایرانی-اسلامی در فرایند جهانی شدن*. *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۲(۳): ۶۲-۳۷.
گل محمدی، احمد(۱۳۹۲). *جهانی شدن، فرهنگ، هویت*. تهران: نی.

گل محمدی، احمد (۱۳۸۰). جهانی شدن و بحران هویت. *مجله مطالعات ملی*، (۱۰): ۴۸-۱۱. گیدنز، انتونی (۱۳۸۷). *تجدد و تشخیص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*. ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.

مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۴). *دموکراسی و هویت ایرانی*. *فصلنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی*، ۲۰(۶): ۲۲۲-۲۲۱.

محمدبخش، بهمن، حبیبی، اکرم و قریشی، فردین (۱۳۹۰). جهانی شدن و هویت ملی دانشجویان دانشگاه تبریز. *رفاه اجتماعی*، ۱۱(۴۳): ۳۴-۷.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۱). *آموزش فلسفه*. جلد اول، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، معاونت فرهنگی.

مصدقی، هادی (۱۳۹۰). *علل مهاجرت نخبگان ایران به خارج از مرزها چیست؟* قابل دسترسی در:

<http://borhan.ir/Nsite/FullStory/News/?Id=2696>

مطهری، مرتضی (۱۳۶۷). *انسان کامل*، تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). *جامعه و تاریخ*، تهران: صدرا.

معین، محمد (۱۳۸۰). *فرهنگ فارسی*. تهران: امیرکبیر.

موسوی، زهرا (۱۳۹۰). *نیت اخلاقی (از دیدگاه کانت و اسلام)*. *اخلاق*، ۱(۴): ۱۵۲-۱۲۱.

مهدوی زادگان، داود (۱۳۸۵). *بحران سکولاریسم و جهان اسلام*. *علوم سیاسی*، ۸(۳۲): ۲۲۰-۱۹۵.

نوابخش، مهرداد و نیکوکار، مستانه‌سادات (۱۳۹۰). *جهانی شدن و بحران هویت جوانان*. *مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی*، ۲(۳): ۱۱۰-۸۹.

ویسی، غلامرضا (۱۳۹۲). *تبیین مبانی معرفت‌شناختی استاد مطهری (ره) و کاربرد آن در برنامه‌داری*. رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.

یوسف‌زاده، محمدرضا و فلاحی، ویدا (۱۳۸۲). *برنامه‌ریزی درسی و تشکیل هویت*. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۴(۱): ۵۷۰-۵۴۳.

A group of researchers (2011). *Theoretical Foundations of the Fundamental Transformation in the General Education System of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Secretariat of the Supreme Council of the Cultural Revolution (Text in Persian).

Ahmadi, H. (2009). *Iranian National Identity Fundamentals*. Tehran: Cultural & Social Studies Research Center (Text in Persian).

Ahmadi, H., Rashed Mohasel, M. and Bayat, K (2016). Iranian Identity throughout Iranian social history. *Book Review Quarterly*, 3(11): 19-24 (Text in Persian).

- Badaoui, K., Lebrun, A. M. and Bouchet, P (2018). The influence of personal and social identity on the clothing consumption of adolescents. *Canadian Journal of Administrative Sciences Revue canadienne des sciences de l'administration*, 35: 65-78.
- Bagheri Dolatabadi, A. and Zareian Jahromi, F. (2013). The influence of virtual reality on national identity and integrity. *Basij Strategic Studies Quarterly*, 16(60): 149-182 (Text in Persian).
- Bagheri, K. (2008). *The Identity of Religious Science: An Epistemological View of Religion with the Humanities*. Tehran: Printing and Publishing Organization, Ministry of Culture and Islamic Guidance (Text in Persian).
- Barzegar, E. (2000). The concept of Identity in the thought of Imam Khomeini *National Studies*, 2(1): 135-158 (Text in Persian).
- Bregnbæk, S. (2018). In search of the heart of a heartless world: Chinese youth, house-church Christianity and the longing for foreign Utopias. *Identities*, 25(2): 176-191.
- Daeizadeh Jelodar, A. (2015). Examining some factors and political trends affecting the construction of Islamic-Iranian identity (in contemporary times). *Cultural Sociology*, 6(3): 23-52 (Text in Persian).
- Decombe, V. (2014). *Person, class, social group; identity crisis*. (Espili, R., Trans). Retrieved from <http://www.monde-diplomatique.fr/2014/02/DESCOMBES/50108> (Text in Persian).
- Dilmaqani, F. & Ghassemi Turki, M. (2016). The Necessities of National Identity Policies. *Politics*, 12: 21-48 (Text in Persian).
- Espahem, D. (2015). *Mowlana and human identity, Persian Literature Kohan Nameh, Humanities and Cultural Studies*, 6(4): 1-20 (Text in Persian).
- Fearon, J. D. (1999). What Is Identity (As We Now Use The Word)? *Department of Political Science, Stanford University Press*, 1-43.
- Giddens, A. (2008). *Modernity and Detachment; Society and Personal Identity in a New Age*. (Movafeghian, N. Trans.) Tehran: Ney Publishing (Text in Persian).
- Golmohammadi, A. (2001). Globalization and Identity Crisis. *Journal of National Studies*, 10: 11-48 (Text in Persian).
- Golmohammadi, A. (2013). *Globalization, Culture, Identity*. Tehran: Ney Publishing (Text in Persian).
- Hafeznia, M. R. (2008). *An Introduction to the Research Method in the Humanities*. Tehran: Publication of the side (Text in Persian).
- Hajiyani, A. (2009). *Sociology of Iranian Identity*. Tehran: Strategic Research Institute (Text in Persian).
- Hajiyani, A. (2012). Iranian-Islamic identity and the stability of the Islamic Republic. *Security Defence*, 5(14): 129-150 (Text in Persian).
- Jenkins, R. (2002). *Social Identity*. (Toraj Yarahmadi, T., Trans.) Tehran: Shiraz Publishing House (Text in Persian).
- Kavousi, A. and Hosseinzadegan, Z. (2011). Maintaining the Iranian-Islamic Identity in the Process of Globalization. *General Policy Studies*, 2(3): 37-62 (Text in Persian).



- Mahdavi-zadegan, D. (2006). The crisis of secularism and the Islamic world. *Political science*, 8(32): 195-220 (Text in Persian).
- Melucci, A. (1996). *Challenging Codes: Collective Action in the Information Age*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Mesbah Yazdi, M. (2002). *Teaching philosophy*, Volume (1), Tehran: Islamic propaganda organization, Cultural affairs (Text in Persian).
- Mo'in, M. (2001). *Farsi Culture*. Tehran: Amir Kabir Publication (Text in Persian).
- Mohammadbakhsh, B., Hobbi, A. & Qureshi, F. (2011). Globalization and National Identity of Students at Tabriz University. *Social welfare*, 11(43): 7-34 (Text in Persian).
- Mojtahedzadeh, P. (2005). Democracy and Iranian Identity. *Quarterly Journal of Economic and Political Information*, 20(6): 221-222 (Text in Persian).
- Mossadeghi, H. (2011). *What causes the migration of the elite of Iran outside the borders?* Retrieved from <http://borhan.ir/Nsite/FullStory/News/?Id=2696> (Text in Persian).
- Motahari, M. (1988). *The Perfect Man*. Tehran: Sadra publication (Text in Persian).
- Motahari, M. (1993). *Society and History*. Tehran: Sadra publication (Text in Persian).
- Mousavi, Z. (2011). The moral intention (from the point of view of Kant and Islam). *Ethics*, 1(4): 121-152 (Text in Persian).
- Norval, A. J. (2003). *The Politics of Ethnicity and Identity*. Cambridge dictionary of Sociology. Cambridge: Cambridge University Press.
- Nawabakhsh, M. and Nikokar, M. (2011). Globalization and Youth Identity Crisis. *Public Policy Strategic Studies*, 2(3): 89-110 (Text in Persian).
- Qeisari, N. (2007). Iranian Intellectuals and Identity. Tehran: Publication of Iranian Civilization (Text in Persian).
- Rabbani, J. (2002). National Identity (1st Ed). Tehran: Publication of the Association of Educators and Educators (Text in Persian).
- Rahbari, M. Bilbasi, M. and Ghorbi, M. J. (2014). National identity in the document on the fundamental transformation of the education of the Islamic Republic of Iran. *National Studies*, 16(1): 45-66 (Text in Persian).
- Rezaei Isfahani, M. A. (2009). Fundamentals and scope of freedom in the Quran. *Two Quarterly Journal of Quran and Science*, 3(5): 131-185 (Text in Persian).
- Saqafi, M. and Mir Mohammadi, D. (2010). The Cognitive Foundations of Discourse of National Identity in the Pahlavi era. *Journal of Sociology*, 5(2): 43-67 (Text in Persian).
- Seomun, J., Park, J., Geem, Z. and Lee, H. (2018). Religion and Depression in South Korea: A Comparison between Buddhism, Protestantism, and Roman Catholicism. *Religions*, 9(1): 2-17.
- Seyyed Bagheri, K. (2015), *Pathology of identity and ways out of the perspective of Islamic thought*. The third National Conference on Sustainable Development in Educational Sciences and Psychology, Social and Cultural Studies, Tehran: Iran (Text in Persian).
- Shaikhvandi, D. (2000). *Development and implementation of Iranian identity*.

- Tehran: Center for the Recognition of Islam and Iran (Text in Persian).
- Shariati, A. (1982). *Recognition of Iranian-Islamic Identity (Collection 27)*. Tehran: Sepideh Bavaran (Text in Persian).
- Shayegan, D. (2002). *The New Enchantment of Forty Persons Identity and Thinking*. (Valiani, F., Trans.) Tehran: Forouzan Publications (Text in Persian).
- Smith Anthony, D. (2004). *Nationalism: Theory, Ideology & History*. Translated by: Reza Khalili & Mansoor Ansari, Tehran: National Studies Institute (Text in Persian).
- Smith, A. D. (1999). *Myths and Memories of the Nations*. Oxford: Oxford University Press.
- Tabatabaei, M. H. (2007). *Interpretation of Al-Mizan*. (Volume 3): Translated by: Sayyid Mohammad Bagher Mousavi Hamedani, Qom: Islamic Publishing House of the Community of Teachers of Qom Seminary (Text in Persian).
- Wisie, Gh. R. (2013). *Explaining the epistemological foundations of Professor Motahari (RA) and its application in curriculum*. PhD thesis, Allameh Tabatabaie University, Faculty of Psychology and Educational Sciences (Text in Persian).
- Woodward, K. (2000). *Questioning Identity: Gender, Class, Nation*. London: Routledge.
- Yousefzadeh, M. R. and Fallahi, V. (2003). Curriculum Development and Identity Formation. *Journal of Educational Sciences and Psychology*, 4(1): 543-570 (Text in Persian).
- Zahed, S. (2005). Iranian National Identity. *Jasmine Strategy*, 1(4): 129-138 (Text in Persian).

New Thoughts on Education
Faculty of Education and Psychology,
Al-Zahrā University

Vol.14, No.3
Autumn 2018

**Delineating the Philosophical Fundamentals of
Iranian-Islamic Identity and Its Pathology among
Farhangian University Student Teachers**

Maryam Naderi¹

PhD in Philosophy of Education, Faculty of Educational Sciences and Psychology,
Alzahra University, Tehran, Iran

Tayebeh Mahrouzadeh

Associate professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Educational
Sciences and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran

Mahdi Sajadi

Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Educational Sciences and
Psychology, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Parvin Samadi

Associate professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Educational
Sciences and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran

Abstract

A nation's identity is one of the most important factors in the formation of a society. In the current globalization era, stabilizing the Iranian-Islamic identity is a way to confront the cultural invasion against the Islamic Iran. A teacher plays the key role in forming this identity in the youth. Obviously, for teachers to be able to do so, they should possess the mentioned Iranian-Islamic identity. The aim of this study is to delineate the philosophical fundamentals of this identity and investigate the problems with the identity components among Farhangian University student teacher. In the current mixed methods research, the qualitative part focuses on the delineation of the philosophical fundamentals of identity and the quantitative approach investigates the problems of the identity components among the student teachers. The instrument was a researcher-made questionnaire, the validity of which was verified by the experts and CVR and the reliability of which was 0.91 estimated through Cronbach alpha. The statistical population included 2833 male and female student teachers in Tehran, out of which a sample of 348 participants was selected through stratified random sampling to respond to the questionnaire. One-sample t-

¹ tmh7834509911@yahoo.com

received: 2018-05-27 accepted: 2018-08-11

DOI: 10.22051/jontoe.2018.20213.2204



test was employed to analyze the data. The findings revealed that the student teachers achieved %85 of the components of the three philosophical fundamentals including anthropology, epistemology and value-recognition. However, the results of pathology showed that there exist pitfalls in seven components: belonging to Iran, national heritage, national dress, self-sufficiency and moral ethics. Finally, this research suggests the relevant strategies to reinforce the identity.

Keywords:

Identity, Philosophical fundamentals, Iranian-Islamic identity, Student teachers